

ناسخ التواريخ تاریخ قاجاریه

برادری
آرمان‌آزاد پاپان سلطنت قاجاریه

تألیف
محمد تقی لسان‌الملک سپهر

پیشگفتار
میرزا محمد تقی



شماره
۲۵۰

نقد و نظری در باب کتاب

ناسخ التواریخ قاجاریه

○ ناسخ التواریخ

○ تألیف: میرزا محمد تقی لسان‌الملک سپهر

○ به اهتمام: جهانگیر قائم مقامی

○ ناشر: امیر کبیر، تهران، ۱۳۳۷

ناسخ التواریخ

سلاطین قاجاریه

تألیف

میرزا شیر میرزا محمد تقی لسان‌الملک سپهر

طاب تراب

به تصحیح و حواشی دانشمند محترم
آقای محمّد باقر بهبودی

از انتشارات

کتابفروشی اسلامیة

تهران - خیابان یوسف‌مهری - تلفن ۳۱۳۳۳
« مردادماه ۱۳۳۴ شمسی »

« باب‌الکتاب »

○ حسین احمدی

اهمیت کتاب

این اثر به لحاظ اینکه مولف خود شاهد و ناظر بسیاری از صحنه‌ها و حوادث بوده و با بسیاری از شخصیت‌های تاریخی کتاب خود تماس نزدیک داشته از اعتبار زیادی برخوردار است. دست‌نویس نویسنده به اسناد دولتی و دربار شاهان و همچنین قلم روان و فصاحت بیان لسان‌الملک نوشته‌های او را به صورت کتاب ارزشمندی در زمینه تاریخ قاجار درآورده است که در نوع خود بی نظیر و بدیع می‌باشد و اگر در این اثر، رگه‌هایی از تردید و یا کاستی دیده می‌شود، بیشتر ناشی از اندیشه بیم جان و مصلحت‌طلبی و حفظ مقام است نه کمبود اطلاع و بی‌خبری از اصل ماجرا. برای نمونه در بخش آخرین این مقاله گوشه‌ای از این مصلحت‌طلبی ذکر شده است. به علاوه این کتاب تنها منبع دوره قاجاریه است که به شرح مبسوط و مفصل وقایع تاریخی پرداخته و جزئیات حوادث را در متن خود نهفته دارد و یگانه ماخذی است که به ذکر اولاد و احفاد و زوجات شاهان قاجار در عصر خود پرداخته و پیرامون اصل و نسب و فرزندان و نتیجه و نبیره آنها سخن گفته است که برای آشنایی با وضعیت دربار قاجاریه در عهد سلاطین اولیه این سلسله متضمن اطلاعات بسیار خوبی است.

نکته برجسته و حائز اهمیت دیگر در تاریخ سلاطین قاجاریه سپهر، توجه به جنبش‌ها و نهضت‌های اجتماعی در این دوره است و اطلاعات ارزشمندی را در زمینه تاریخ اجتماعی ایران در این زمان ارائه می‌کند. فتنه بابیه در این اثر بیشترین حجم مطلب را به نسبت دیگر آثار عصر قاجار چون منتظم ناصری، حقایق الاخبار و مآثرالآثار به خود اختصاص داده است. لازم به ذکر است که گرچه دیدگاه تعصبی لسان‌الملک نسبت به بابیه خاطره کینه‌توزی نظام الملک نسبت به اسماعیلیه را در سیاستنامه در ذهن تلغی می‌کند، اما حاوی اطلاعات مفیدی پیرامون این ماجرا است.^۵

محتویات کتاب

ناسخ التواریخ یک تاریخ عمومی است که به نقلی ۲۳ جلد می‌باشد که ۹ جلد آن نوشته محمد تقی لسان‌الملک سپهر می‌باشد و ۱۴ جلد دیگر توسط عباس قلی مشیرافخم سپهرنانی به رشته تحریر درآمده است.^۲ برخی نیز بر این باورند که این تاریخ عمومی در ۱۵ جلد تدوین شده است.^۳ لسان‌الملک به غیر از این تاریخ عمومی، شش اثر دیگر نیز از خود به یادگار گذاشته که برخی از آنها هنوز چاپ نشده‌اند.

اما تاریخ سلاطین قاجار این نویسنده - که آنهم عنوان ناسخ التواریخ دارد در سه جلد به رشته تحریر درآمده است. در جلد اول نویسنده به شرح اصل و نسب سلسله قاجار و زمینه ظهور این ایل در صحنه سیاست از صفویه تا زندیه پرداخته و پس از مدح و ستایش بنیانگذار سلسله قاجار - آقا محمدخان - به نحوه مبارزه او با لطفعلی خان زند و جلوسش به تخت شاهی اشاره دارد. با اینحال قسمت اعظم جلد اول به بیان رویدادهای زمان فتحعلی شاه اختصاص یافته است. جلد دوم کتاب، دوران پادشاهی محمدشاه را در برمی‌گیرد و جلد سوم نیز حوادث و وقایع تاریخی زمان ناصرالدین شاه را تا سال ۱۲۲۴ ه. ق. بیان می‌کند.

سبک نگارش کتاب

مؤادولیه نگارش ناسخ التواریخ (تاریخ سلاطین قاجار) شامل مسموعات، مشاهدات، خاطرات و یادداشت‌های شخصی مؤلف و برخی اسناد رسمی و نوشته‌های تاریخی است. وقایع مربوط به قبل از حیات خود را نیز از مطالعه کتب تاریخی و گفته‌های دیگران به رشته تحریر در آورده است. از دیدگاه ادبی نیز سبک نگارش کتاب، سبکی ترکیبی، شامل نثر قبل و بعد از مغول می‌باشد به عبارتی دیگر ترکیب جملات شبیه نثر قبل از مغول و واژه‌ها و کلمات گاهی از نثر قبل و یا بعد مغول انتخاب شده است. اما در مجموع به شیوه‌ای روان به رشته تحریر درآمده است.

شرح حال مؤلف

میرزا محمد تقی خان کاشانی در سال ۱۲۱۶ ه. ق در کاشان دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت به تحصیل علوم دینی پرداخت و سپس به شعر و عروض و قافیه روی آورد. در دوران جوانی از کاشان به تهران آمد و به خدمت فتحعلی خان صبا، ملک الشعراء فتحعلی شاه قاجار رسید.^۱ وقتی نزاع بین فرزندان و نوادگان فتحعلی شاه بر سر حکومت شدت گرفته میرزا محمد تقی خان - که طرفدار به قدرت رسیدن محمدمیرزا پسر عباس میرزا و نوه فتحعلی شاه بود با نوشتن چند بیت شعر به تعریف و تمجید از محمدمیرزا پرداخت و توانست نظر موافق شاه آینده را به خود جلب کرده و به مقام استیفاء و قرائت شعر در اعیاد منصوب گردد. او در سال ۱۲۵۸ ه. ق. به فرمان محمدشاه و تشویق حاجی میرزا آغاسی - صدراعظم وقت - کار تألیف ناسخ التواریخ را آغاز کرد و در سال ۱۲۶۳ ه. ق. کتاب اول آنرا که شامل دو جلد بود به پایان رسانید. در زمان جلوس ناصرالدین شاه به تخت سلطنته میرزا محمد تقی خان در معیت شاه به تهران آمد و مأمور قرائت فرامین و دستخط وی شد. او در این زمان کار تدوین کتاب سوم ناسخ التواریخ (تاریخ سلاطین قاجار) را آغاز کرد و لقب لسان‌الملک را اخذ کرد. این کتاب در سال ۱۲۷۴ ه. ق. تکمیل شد و مورد توجه ناصرالدین شاه قرار گرفته لذا قریه وادقان از توابع کاشان به عنوان تیول ابدی به میرزا محمد تقی خان سپهر واگذار شد. لسان‌الملک در ربیع الاول ۱۲۹۷ ه. ق. در تهران درگذشت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. به نقلی وی وصیت کرده بود تا یکجلد از ناسخ التواریخ که تاریخ زندگانی علی (ع) را در برمی‌گرفت، را برای کسب شفاعت با او دفن کنند اما ظاهراً با دخالت مجتهدین این کار عملی نشد.^۲

ناسخ التواریخ

سلاطین قاجاریه

تألیف

مؤرخ شیرمیرزا محمد تقی لسان الملک سپهر

طاب نراه

به تصحیح و حواشی دانشمند محترم آقای محمد باقر بهبودی

از انتشارات:

گنابفروشی اسلامیته

تهران - خیابان بوذرجمهری - تلفن ۲۱۹۹۹

حق چاپ محفوظ

دوره چاپ ۱۳۸۵

۱۳۸۵ (۱۳۸۵)

میرزا محمد تقی خان در سال ۱۲۵۸ هـ. ق
به فرمان محمدشاه و تشویق
حاجی میرزا آغاسی - صدراعظم وقت -
کار تألیف ناسخ التواریخ را
آغاز کرد

لسان الملک به غیر از این تاریخ عمومی،
شش اثر دیگر نیز از خود به یادگار گذاشته
که برخی از آنها هنوز چاپ نشده‌اند

این اثر به لحاظ اینکه مولف خود شاهد و
ناظر بسیاری از صحنه‌ها و حوادث بوده و با
بسیاری از شخصیت‌های تاریخی
کتاب خود تماس نزدیک داشته،
از اعتبار زیادی برخوردار است

ناسخ التواریخ

سلاطین قاجاریه

تألیف

مؤرخ شیرمیرزا محمد تقی لسان الملک سپهر

طاب نراه

به تصحیح و حواشی دانشمند محترم آقای محمد باقر بهبودی

از انتشارات:

گنابفروشی اسلامیته

تهران - خیابان بوذرجمهری - تلفن ۲۱۹۹۹

حق چاپ محفوظ

دوره چاپ ۱۳۸۵

۱۳۸۵ (۱۳۸۵)

نیز فروکش نکرد و او برای سرپوش نهادن بر نحوه قتل صدراعظم کارخان ایرانی، سبب مرگ او را این گونه بیان کرد: «... پس از مدت یک اربعین که میرزاتقی خان در قریه فین روز گذاشته از اقتحام خون و ملال مزاجش از اعتدال بگشت و علیل افتاد و از فرد انگشتان پای تا فراز شکم زهین ورم گشت و شب دوشنبه ۱۸ ربیع‌الاول درگذشت.»^{۱۶}

شاید این سخن عاریت گرفته از آقاخان نوری بود. صدراعظم جدید در نامه‌ای رسمی که چند روز پس از قتل امیرکبیر به میرزا محمدحسین خان سفیر ایران در روسیه نوشته چنین گفت: «... بیچاره میرزاتقی خان امیر نظام سابق در فین کاشان بناخوشی سینه‌پهلوی وفات کرده و مرحوم شد. خنابامرزه تف بر این دنیا و این عمرهای او.»^{۱۷}

منابع:

۱. بیات، عزیزالله: شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۸.
۲. قائم مقامی، جهانگیر: مقدمه ناسخ التواریخ قاجاریه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۷، ص ۱۰.
۳. همان، ص ۱۳.
۴. رضازاده شفق‌صالح: تاریخ لیبیات ایران، تهران، انتشارات پهلوی، ۱۳۵۲، ص ۶۰۹.
۵. ناسخ التواریخ قاجاریه، ج ۲، ص ۱۵۰-۵۵.
۶. همان، ج ۳، صص ۱۲۰-۱۱۶ و ۸۸-۷۷ و ۴۹-۳۴.
۷. اعتصام‌السلطنه، محمدحسن خان: مآثر الانار، تهران، دارالطباعه خاصه دولتی، ۱۳۰۶ ق، ص ۴۹.
۸. ناسخ التواریخ قاجاریه، ج ۱، صص ۳۰۲-۳۰۳.
۹. همان، ج ۱، ص ۲.
۱۰. همان، ص ۳.
۱۱. بروان، انوار: تاریخ انبیاات ایران از آغاز صفویه تا عصر حاضر، ترجمه رشید یاسمی، تهران، ابن سینا، بی تا، چاپ دوم، ص ۳۱۵.
۱۲. ناسخ التواریخ قاجاریه، ج ۲، ص ۱۶۰.
۱۳. همان، ج ۳، ص ۲۰.
۱۴. همان، ص ۱۵۳.
۱۵. همان، ص ۱۶۳.
۱۶. همان، ص ۱۵۴.
۱۷. آدمیت، فریدون: امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۳۸، چاپ سوم، ص ۲۷۵.

این نکته در مورد شورش سالار نیز صادق است. ناسخ التواریخ از این نظر موقوت‌ترین منبع و مآخذ است. معاصر بودن حادثه با زمان حیات مولف موجب شده او حادثه را به تفصیل بیان کند.^۶

این کتاب برخلاف مآثر الانار که تنها به ذکر نام وقایع و شورش‌ها اکتفا کرده و از تفصیل وقایع و علل بروز آن اجتناب نموده،^۷ علل و انگیزه شورش‌ها و تضادهای درونی جامعه قاجار را نیز بیان کرده است. همچنین زمینه و روند روابط ایران و افغانستان در عهد نصری، جریان محاصره و فتح هرات توسط حسام‌السلطنه، هجوم انگلیسی‌ها به مرزهای جنوبی کشور و شرح مفصل پایداری و رشادت دلاوران تنگستانی و فداکاری باقر خان تنگستانی، اطلاعات ارزشمندی را در اختیار محققان می‌گذارد.^۸

گرایش‌های نویسنده کتاب

اما با همه اینها، کتاب عاری از عیب و ایراد نیست. مواردی است که باید با تأمل به آن نگریست و با احتیاط بیشتری پذیرفت. برخی کاستی‌ها تنها خاص این کتاب نیست و تقریباً تمام فضای تاریخ نگاری ایران را مه‌آلود کرده است. بعضی موارد نیز با توجه به محدوده تاریخی کتاب در مقایسه با دیگر منابع عصر قاجار رنگ باخته و از یک استنتاج صحیح تاریخی عاری است. نویسنده در ابتدای کتاب ضمن بیان اهداف خود از نگارش کتاب می‌نویسد: «ناصرالدین شاه بنده را فرمود که غرض از تحریر ناسخ التواریخ آن است که کتابی در فن تاریخ نگاشته آید که تاکنون در هیچ دولتی نظیر آن نتوان یافت.»^۹ و در جای دیگر غرض خود از تدوین کتاب را ادای دین به سلاطین قاجار می‌داند: «... ترسیم پیش از آنکه قصه سلاطین قاجار گویم به جهان دگر پویم و از دولتی که پدر بر پدر پروریده نعمتش بودم و گوشت و پوست و استخوان به فروغ رفت و رحمتش پروردگار هیچ ذکری نکرده باشم پس ایراد این مختصر کردم و در نزد مردم خردمند این عنر از من بنده پسندیده باشد.»^{۱۰}

آنگونه که از مقدمه نویسنده برمی‌آید لسان الملک سپهر قصد داشته تا کتاب تاریخ بی نظیری تدوین کند و شاید بر آن بوده تا از حصار تنگ تاریخ نقلی خود را رهانیده و با تکیه بر عنصر تحلیل، مطالب تازه‌ای را کشف و ارائه کند. اما چون به سفارش قدرت حاکم نوشته شده غبار تعصب و غرض بر آن نشسته و

امواج مصلحت‌طلبی و تلقی گویی و حس شاه دوستی، کشتی اندیشه او را از رسیدن به مقصود بازداشته است. این نکته می‌تواند مصلحت دیگری برای سخن انوار بروان، ادیب و ایران شناس معروف باشد که «... تمام این تواریخ تاریخ ملت ایران محسوب نمی‌شوند بلکه اغلب سرگذشت سلاطین و شاهزادگان و امرای خارجی است و سالنامه خستگی آور خونریزی‌ها و چپاول‌ها و تظاول‌هایی است که به زحمت می‌توان یک موضوع عمومی گران بهایی از آنها استخراج کرد... و همین مطالب اگر در دست مورخی چون ابن خلدون می‌افتاد نتایج استثنای آن‌ها استخراج می‌کرد.»^{۱۱} موضع‌گیری سپهر نسبت به برخی از شخصیت‌های عصر قاجار به ویژه کینه ورزی‌اش نسبت به امیرکبیر نیز درخور توجه و تأمل است. اگر چه لسان الملک در ابتدا ضمن حمایت از امیرکبیر و عملکرد شایسته او در دربار عثمانی به هنگام انعقاد قرارداد ارزنگاروم دوم در عصر محمدشاه از قول او نقل می‌کند که «... من هرگز نام ایران را به ننگ آلوده نمی‌کنم و با جامه عثمانی به بهشت جاودانی نمی‌روم...»^{۱۲} اما این تعریف و تمجید بعد از انتصاب امیرکبیر به مقام صدرات ناصرالدین شاه به توبیخ و توهین تبدیل می‌شود. با کمی دقت و جستجو می‌توان ریشه کینه‌ورزی و جبهه‌گیری لسان الملک را بر علیه میرزاتقی خان امیرکبیر در لابلای نوشته‌هایش یافت: «... من بنده با اینکه در حضرت شاهنشاه به منصب استیفاء فخری بزرگ داشتم و در انشاء قصاید خدمت می‌پردم و... بالجملة با تقدیم چنین خدمت میرزاتقی خان معادل دو هزار تومان زر مسکوک از مرسوم و مواجب من بنده کاست...»^{۱۳} این کار امیرکبیر چنان لسان الملک سپهر را خشمگین ساخته بود که مرگ امیرکبیر را از خدا می‌خواست. وقتی این آرزوی قلبی برآورده شد وی از ابراز خوشحالی خودداری نکرد و جلوس آقاخان نوری را به جای امیرکبیر به فال نیک گرفت: «... توامم گفت تمام مردم ایران به یکباره از زحمتی عظیم به نعمتی جسیم پیوستند و از ضجرت طیش به سمت عیش راه جستند... و صدراعظم با جبین گشاده و طبع آزاده در مسند وزارت جای گرفت و دل‌های حزین را شد و خاطرهای خراب را آباد فرمود.»^{۱۴} وی حتی احداث دارالقنون را به صوابدید آقاخان نوری نسبت داده است.^{۱۵}

کینه سپهر نسبت به امیرکبیر حتی بعد از مرگ میرزاتقی خان